انگلیس؛ از افتخار ۱۹۶۶ تا طلسم ۶۰ ساله

معمای به خانه آمدن فوتبال!

فرخ حسابی/ برای یک ملت، «سه شیر» نماد امیدی طنزآمیز پس از دهه‌ها ناکامی است. برای بقیه جهان، این نمادی از تکبر و این توهم است که گویا اختراع فوتبال، مالکیت آن را نیز به همراه دارد. انگلیس، زادگاه فوتبال مدرن، از سال ۱۹۹۶ با آهنگ «فوتبال به خانه می‌آید» زندگی می‌کند، اما حقیقت این است که این «خانه» فقط یک بار، آن هم در سال ۱۹۶۶، میزبان جام بود و جام را به خانه آورد. شصت سال از آن پیروزی تاریخی می‌گذرد و سه‌شیرها همچنان در فاصله‌ای عجیب بین بزرگترین تیم روی کاغذ و جام‌های واقعی سرگردانند.

تولد یک طلسم

هنگامی که انگلیس در سال ۱۸۶۳ قوانین مدرن فوتبال را وضع کرد، تصور نمی‌کرد که روزی همین دستاورد به سنگ‌بنای یک سرخوشی تاریخی و در عین حال یک طلسم روانی بدل شود. سه‌شیرها که بنیانگذار بازی هستند، به طرز عجیبی دیر به جمع مدعیان جام جهانی پیوستند. غرور آنها پس از خروج از فیفا، باعث شد در سه دوره اول جام جهانی حضور نداشته باشند. وقتی در سال ۱۹۵۰ پا به این مسابقات گذاشتند، باوری جز قهرمانی نداشتند؛ اما شکست ۱-۰ برابر ایالات متحده، وحشتناک‌ترین شروع ممکن بود. سه سال بعد، مجارستان افسانه‌ای با پیروزی ۶-۳ در ومبلی، معادله قدرت را در فوتبال جهان برای همیشه تغییر داد. «شاید انگلیسی‌ها که روزگاری استادان فوتبال بودند، اکنون بتوانند از شاگردان بیاموزند»؛ این جمله فرانس پوشکاش، تلخ‌ترین حقیقتی بود که فوتبال انگلیس باید می‌پذیرفت. اما از دل همین خاکستر بود که قهرمانی واقعی متولد شد. الف رمزی، یکی از بازماندگان همان شکست تحقیرآمیز برابر آمریکا، سکان هدایت تیم را به دست گرفت و معمای موفقیت را حل کرد: فروتنی تاکتیکی به جای تکبر تاریخی.

رمزی و قهرمانی با فروتنی

الف رمزی که ایپسویچ تاون را از دسته سوم به قهرمانی لیگ رسانده بود، به خوبی می‌دانست که ستاره‌ها بدون ساختار تاکتیکی، فقط نام هستند. وعده او پس از قبول هدایت تیم ملی شنیدنی بود: «حتی در روزهایی که بازیکنانی مثل استنلی ماتیوس را داشتیم، تیم نیاز به یک نقشه تاکتیکی دقیق داشت.» او تیمی ساخت که تا دقیقه ۸۳ نیمه‌نهایی جام جهانی ۱۹۶۶، در خطر حذف بود.

تیم او با سیستمی بدون وینگرهای کلاسیک، به مصاف حریفان رفت. در حالی که جیمی گریوس، سوپراستار تیم، مصدوم شد، رمزی فرصت را غنیمت شمرد و جف هرست را به میدان فرستاد. این تصمیم که در آن زمان دیوانگی محسوب می‌شد، پایه‌گذار حماسه‌ای شد که جهان هنوز آن را به یاد دارد. در فینال، او دستور داد بابی چارلتون، مهره تهاجمی تیم، فرانتس بکن‌باوئر را مهار کند. این انعطاف تاکتیکی، رمز پیروزی ۴-۲ بر آلمان غربی بود.

یک جام و یک سگ

جام جهانی ۱۹۶۶ پیش از شروع، دستخوش دو حادثه بزرگ بود: تحریم کشورهای آفریقایی و سرقت جام ژول ریمه از ویترین یک ساختمان در وست‌مینستر. یک سگ به نام «پیکلز» جام را زیر یک ماشین پیدا کرد. این شروع طنزآمیز اما پررمز و راز، حال وهوای کل تورنمنت را رقم زد. انگلیس شروع کسل‌کننده‌ای برابر اروگوئه داشت، اما برابر مکزیک و فرانسه جان گرفت. جنجال واقعی در یک چهارم نهایی برابر آرژانتین رخ داد. اخراج آنتونیو راتین، کاپیتان آرژانتین و ممانعت رمزی از تعویض پیراهن بازیکنانش با حریفان، لقب «حیوانات» را برای آرژانتینی‌ها به یادگار گذاشت. اما در دل این خشونت، استعداد ناب فوتبال انگلیسی قد علم کرد. بابی چارلتون با شوت‌های اتمی خود، نماد جذابیت نیمه‌نهایی برابر پرتغال و اسطوره اوزه‌بیو بود. اما داستان هنوز به پایان نرسیده بود.

حالا تمام شد!

فینال ومبلی در برابر آلمان غربی به یک حماسه جهانی تبدیل شد. آلمان ابتدا گل زد، اما هرست و مارتین پیترز نتیجه را برگرداندند. وقتی در ثانیه‌های پایانی وبر گل تساوی را زد، قلب یک ملت از کار افتاد. اما رمزی در وقت اضافه فقط یک جمله گفت: «آنها را در ۹۰ دقیقه شکست دادید، حالا در ۳۰ دقیقه دوباره شکستشان دهید.»

گل سوم هرست جنجالی‌ترین گل تاریخ فوتبال است؛ ضربه‌ای که به تیر افقی برخورد کرد و روی خط دروازه فرود آمد. کمک داور شوروی با قاطعیت اعلام گل کرد و هرست تاریخ‌ساز شد. اما گل چهارم دیگر جای شک نداشت.

«بعضی تماشاگران وارد زمین بازی شده‌اند، فکر می‌کنند همه‌چیز تمام شده... حالا تمام شد!» این جمله معروف گزارشگر کنت وولستنهولم، در قامت نمادین‌ترین مونولوگ تاریخ فوتبال بریتانیا ثبت شد. منظورش این بود که بعضی از هواداران تصور کرده بودند بازی تمام شده و وارد زمین شده‌اند؛ سپس با به ثمر رسیدن گل آخر، گزارشگر اعلام کرد: «حالا دیگر واقعاً تمام شد!»

از قهرمانی تا زوال عقل

قهرمانان ۱۹۶۶ در زمره اسطوره‌های بی‌بدیل فوتبال جهان قرار دارند. بابی مور، جک و بابی چارلتون، گوردون بنکس و جف هرست صاحب مجسمه و جایگاه ابدی شدند. اما زندگی پس از فوتبال برای بسیاری از آنها عادی و حتی سخت بود. هرست به کار بیمه روی آورد و ویلسون به شغل کفش‌داری پرداخت. پاداش هر کدام از قهرمانان ۱۹۶۶ تنها هزار پوند بود؛ در حالی که هر بازیکن آرژانتین در ۲۰۲۲ نیم میلیون دلار پاداش گرفت.

بیماری‌های فراموشی و زوال عقل، گریبانگیر شش تن از آنها و حتی خود رمزی شد. بابی مور در ۵۱ سالگی بر اثر سرطان درگذشت. با مرگ بابی چارلتون در سال ۲۰۲۳، اکنون تنها جف هرست از آن تیم افسانه‌ای زنده مانده است.

این تنهایی و فراموشی، شاید استعاره‌ای از خود فوتبال انگلیس باشد: یک خاطره باشکوه، اما به شدت شکننده و در حال محو شدن.

۶۰ سال انتظار

پس از ۱۹۶۶، انگلستان هرگز به فینال جام جهانی نرسید. نسل طلایی بکام، اوون، گری نویل، لمپارد و جرارد هرگز نتوانستند حتی به نیمه‌نهایی برسند. باخت‌های پنالتی به آلمان (۱۹۹۰)، آرژانتین (۱۹۹۸) و پرتغال (۲۰۰۶) و «دست خدا»ی مارادونا، به فهرست بلند عذاب‌های انگلیسی افزوده شد. ضربه فرانک لمپارد که در سال ۲۰۱۰ از خط دروازه آلمان وارد شد اما داور آن را گل اعلام نکرد، و همچنین پنالتی هری کین در سال ۲۰۲۲ مقابل فرانسه که به جای دروازه به آسمان رفت، هر دو مانند یک نفرین بودند، گویی سرنوشت طوری رقم خورده بود که انگلستان هیچ‌وقت نمی‌تواند از این مهلکه‌ها جان سالم به در ببرد و قهرمان شود.

گرت ساوت‌گیت دوباره امید را زنده کرد. فینال یورو ۲۰۲۰ در ومبلی، بهترین فرصت برای «به خانه آمدن» واقعی بود، اما پنالتی‌ها نشان داد که این طلسم شکستنی نیست. یورو ۲۰۲۴ نیز با شکست برابر اسپانیا، سنگینی «میراث ماندگار ۱۹۶۶» را دوچندان کرد.

جانشین آلمانی

انگلیس که از انتظار برای «ساوت‌گیت بعدی» خسته شده بود، در اقدامی انقلابی و پرریسک، توماس توخل آلمانی را به عنوان سرمربی منصوب کرد. همان کشوری که ۶۰ سال پیش در فینال آلمان را شکست داد، حالا یک استراتژیست آلمانی را مأمور پایان دادن به طلسم کرده است. توخل که با چلسی و بایرن مونیخ شخصیتی برنده و البته جنجالی نشان داده، می‌داند که نسل کنونی (بلینگام، رایس، ساکا و کین) احتمالاً آخرین شانس جدی انگلیس برای فتح یک جام بزرگ هستند.

آنها اولین تیم اروپایی هستند که جواز حضور در جام جهانی ۲۰۲۶ را کسب کردند. اما سؤال این است: آیا فروتنی تاکتیکی رمزی در قالب یک تاکتیسین آلمانی بازتولید می‌شود، یا تکبر تاریخی دوباره ترمز پیروزی را می‌کشد؟ حقیقت این است که هیچ‌کس در جهان، جز خود انگلیسی‌ها، دیگر به «به خانه آمدن» فوتبال اعتقاد ندارد. برای همه، این فقط داستانی قدیمی است از سال ۱۹۶۶؛ تنها باری که فوتبال واقعاً به خانه آمد.

انقلاب صنعتی در قالب فوتبال

جزیره‌ای که وطن فوتبال است

محمدرضا رحیم پور/ وقتی تیم ملی انگلیس با آن پیراهن سپید و نشان سه شیر آبی روی سینه پا به چمن می‌گذارد، جهان فراتر از یک مسابقه فوتبال، به تماشای یک فرهنگ می‌نشیند. «سه‌شیرها» (Three Lions)؛ تیمی که پس از دهه‌ها ناامیدی، با نسل جدیدش در سال‌های اخیر دوباره به قامت یک مدعی قد برافراشته، ویترین کشوری است که فوتبال تنها یکی از صادرات فکری آن به جهان محسوب می‌شود. انگلیس زادگاه انقلاب صنعتی، شکسپیر، بیتلز، هری پاتر و تضاد پرهیاهوی خیابان‌های لندن با آرامش مه‌آلود روستاهای یورکشایر است؛ مهد سنت‌های کهن و پیشروترین اقتصاد دیجیتال اروپا.

سرزمین قوانین نانوشته و باران‌های مه‌آلود

انگلستان، به عنوان قلب تپنده پادشاهی متحد بریتانیا، جزیره‌ای است با آب‌وهوای ابریِ افسانه‌ای. زیر این ظاهر به نظر سرد و اتوکشیده، تنوع قومی و فرهنگی حیرت‌انگیزی جریان دارد؛ تا جایی که لندن امروز با بیش از ۳۰۰ زبان زنده، یکی از کثرت‌گراترین شهرهای جهان است و مهاجران کارائیب، شبه‌قاره هند و آفریقا، فرهنگ غذا، مد و موسیقی آن را بازتعریف کرده‌اند. با این حال، اصول سنتی بریتانیایی هنوز پابرجاست؛ از تعارفات مکرر روزمره و صف‌های منظم اتوبوس گرفته، تا آیین نانوشته نوشیدن چای در ساعت ۵ عصر و بحث‌های بی‌پایان درباره وضع هوا.

اقتصاد؛ از دودکش‌های ویکتوریایی تا ابرقدرت خدمات

انگلستان به عنوان ششمین قدرت اقتصادی جهان، پس از چالش‌های بزرگ دوران پسابرگزیت، شالوده خود را بر فناوری و خدمات استوار کرده است. منطقه «سیلیکون راندابوت» در شرق لندن، هزاران استارتاپ را در خود جای داده و لقب «سیلیکون‌ولی بریتانیا» را یدک می‌کشد. در حالی که غول‌های خودروسازی لوکس (رولز رویس، بنتلی، مکلارن) و داروسازی (استرازنکا) پرچم صادرات صنعتی را بالا نگه داشته‌اند، شکاف اقتصادی میان جنوب ثروتمند و شمال صنعتیِ آسیب‌دیده، از چالش‌های بومی این سرزمین است؛ سرزمینی که با نرخ رشد متلاطم، همچنان قطب مالی بی‌بدیل اروپا است.

امپراطوری واژه‌ها و جادوی نت‌ها؛ از شکسپیر تا بیتلز

در اتمسفر فرهنگی، انگلیس مهد ویلیام شکسپیر است؛ مردی که زبان انگلیسی مدرن را معماری کرد. تاریخ ادبیات این جزیره با رمان‌های اجتماعی چارلز دیکنز، نگاه نافذ جین آستن و شاهکارهای سیاسی جرج اورول گره خورده و در عصر مدرن، به جادوی قلم جی.کی.رولینگ و جهان میلیارد دلاری هری پاتر رسیده است.

در قلمروی موسیقی، دنیای مدرن بدون «حمله بریتانیایی» چیزی کم داشت. بیتلز از بندر لیورپول آمد و ساختار موسیقی پاپ را برای همیشه دگرگون کرد. میراثی که بعدها توسط رولینگ استونز، کوئین، پینک فلوید، لد زپلین و دیوید بویی توسعه یافت، در دهه ۹۰ با بریت‌پاپ جان تازه‌ای گرفت و امروز در حنجره ادل و اد شیرن به تسخیر چارت‌های موسیقی جهان ادامه می‌دهد. این خلاقیت در هنرهای تصویری نیز با درام‌های تاریخی چون تاج، تعلیق‌های جیمز باند و نبوغ سینماگرانی چون آلفرد هیچکاک و کریستوفر نولان بازتاب یافته است.

> تنها قهرمانی سه‌شیرها به جام جهانی ۱۹۶۶ بازمی‌گردد. از آن زمان به بعد حتی «نسل طلایی» با حضور بکام، اسکولز، لمپارد و جرارد هم نتوانست طلسم‌شکنی کند. نسل نوین انگلیس با بلینگام، کین و فودن اگرچه طعم تلخ شکست در فینال یورو را چشید، اما با رویکردی مدرن شانس خود را امتحان می‌کند

سینما و تلویزیون؛ از جیمز باند تا شرلوک

انگلیس خانه قدیمی‌ترین استودیوی فیلمسازی جهان (پاینوود) و بزرگترین صادرکننده برنامه‌های تلویزیونی است. فرنچایز «جیمز باند» با ۲۵ فیلم، میلیاردها دلار فروش داشته. «هری پاتر» در استودیوی وارنر برادرز لندن فیلمبرداری شد. سریال‌هایی مانند «شرلوک» (بندیکت کامبربچ)، «تاج» (داستان ملکه الیزابت دوم) و «بادیگارد» (Bodyguard) در سراسر جهان طرفداران پروپاقرص دارند. بازیگرانی مثل لارنس الیویه، ریچارد برتون، هلن میرن، جود لا، کیت وینسلت و آنتونی هاپکینز (ولزی) اسکارهای متعددی کسب کرده‌اند. کارگردانانی چون آلفرد هیچکاک (اگرچه بعداً تابعیت آمریکایی گرفت)، دیوید لین (لورنس عربستان) و کریستوفر نولان نیز از انگلستان برخاسته‌اند.

فوتبال؛ خانه قوانین مدرن و قلب‌های شکسته

اما هیچ‌کدام از این افتخارات به اندازه توپی که روی چمن می‌چرخد، هویت انگلیسی را به چالش نمی‌کشد. فوتبال مدرن در سال ۱۸۶۳ در لندن و با تدوین قوانین اتحادیه (FA) متولد شد. لیگ برتر انگلیس (Premier League) امروز با درآمد سالانه میلیارد پوندی، پربیننده‌ترین و جذاب‌ترین لیگ ورزشی سیاره زمین است؛ اما تیم ملی آنها داستانی متفاوت دارد: سرگذشتی از جنس «تقریباً». اما نه کاملاً. تنها قهرمانی سه‌شیرها به جام جهانی ۱۹۶۶ بازمی‌گردد. از آن زمان به بعد، حتی «نسل طلایی» با حضور بکام، اسکولز، لمپارد و جرارد هم نتوانست طلسم‌شکنی کند. نسل نوین انگلیس با بلینگام، کین و فودن اگرچه طعم تلخ شکست در فینال یورو را چشید، اما با رویکردی مدرن شانس خود را امتحان می‌کند.

شعار معروف هواداران یعنی «It's coming home» (فوتبال به خانه برمی‌گردد)، برای آنها یک ترانه حماسی و برای رقبایشان مایه تمسخر است.

Group L

انگلیس

هفدهمین حضور در جام جهانی

سرمربی: توماس توخل (آلمان)

کاپیتان: هری کین

بهترین عملکرد: قهرمانی (۱۹۶۶)

رتبه در رده‌بندی فیفا: ۴

ستارگان: هری کین (بایرن مونیخ)، دکلان رایس (آرسنال) و جود بلینگام (رئال مادرید)

برنامه بازی‌ها:
چهارشنبه ۲۷ خرداد: انگلیس - کرواسی ۲۳:۳۰
سه‌شنبه ۲ تیر: انگلیس - غنا ۲۳:۳۰
یکشنبه ۷ تیر: پاناما - انگلیس ۰۰:۳۰

معرفی تیم‌های حاضر در جام جهانی

بازگشت آقای گل

هری کین بدون تردید مهم‌ترین ستاره تیم ملی انگلیس و یکی از بزرگترین مهاجمان تاریخ این کشور است؛ بازیکنی با ۷۸ گل ملی که همچنان در اوج قرار دارد.

او حالا در سومین فصل حضورش در بایرن مونیخ حتی کامل‌تر از همیشه بازی می‌کند؛ مهاجمی کم‌نظیر که هم یک گلزن تمام‌عیار است و هم می‌تواند مثل یک شماره ۱۰ خلاق، جریان بازی را هدایت کند. کارنامه فردی کین، او را در ردیف بهترین‌های نسل خود قرار داده است. او سه بار آقای گل لیگ برتر انگلیس شده و حالا در آلمان هم با سه کفش طلای پیاپی بوندس‌لیگا، سلطه‌اش را تثبیت کرده است. در کنار این افتخارات، عنوان آقای گلی جام جهانی ۲۰۱۸ نیز در کارنامه‌اش دیده می‌شود؛ تورنمنتی که او را به عنوان رهبر خط حمله انگلیس به جهان معرفی کرد. با این حال، بدشانسی‌هایی مثل مصدومیت پیش از تورنمنت‌های بزرگ، بارها مانع درخشش او در حساس‌ترین لحظات شده است. حالا همه نگاه‌ها به این است که کین در بهترین فرم ممکن به رقابت‌های پیش‌رو در آمریکای شمالی برسد؛ جایی که انگلیس بیش از هر زمان دیگری به رهبری و گل‌های او وابسته است.

بحث‌برانگیزترین سرمربی جام

یکی از تاکتیسین‌های بزرگ آلمانی قرن ۲۱ در جام جهانی روی نیمکت انگلیس خواهد نشست. سرمربی سابق دورتموند، پاری‌سن‌ژرمن، چلسی و بایرن مونیخ که در سال ۲۰۲۱ چلسی را به دومین قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا رساند، اولین تجربه ملی خود را در کشوری تجربه می‌کند که سال‌هاست در فوتبال رقیب دیرینه آلمان است. توماس توخل تا اینجا عملکردی قابل‌قبول داشته اما فهرست نهایی او برای جام جهانی و حذف نفراتی چون فودن، پالمر، گیبس وایت، آرنولد، وارتون، شاو، مگوایر، بوون و کالورت لوین، با انتقادات بسیار زیادی از سوی هواداران فوتبال در انگلیس روبرو شده و حتی برخی به او لقب جاسوس فدراسیون فوتبال آلمان را داده‌اند! با این حال توخل مربی‌ای است که بازیکنانش را بر اساس توانایی تاکتیکی و کیفیت آنها متناسب با سبک بازی خود انتخاب می‌کند و تاکنون به شدت از انتخاب‌های بحث‌برانگیز خود برای جام جهانی دفاع کرده است.

در انتظار ستاره دوم

پیش از یورو ۱۹۹۶ که در انگلیس برگزار می‌شد و ۳۰ سال پس از تنها موفقیت بزرگ و قهرمانی تیم ملی انگلیس در یک تورنمنت معتبر ملی، یکی از گروه‌های کمدی و موسیقی انگلیسی ترانه مشهور «فوتبال به خانه برمی‌گردد» را اجرا کردند که پیش از جام ملت‌های اروپا در آن سال، تبدیل به یک ترانه محبوب در انگلیس شد. سه شیرها در آن جام در ضربات پنالتی مغلوب آلمان شدند، به قهرمانی نرسیدند و حالا ۳۰ سال است که پیش از هر تورنمنت، این شعار و ترانه تبدیل به هویت هواداران تیم ملی فوتبال انگلیس شده است و همچنان، هواداران فوتبال در انگلیس منتظر هستند که فوتبال به خانه برگردد. در روزهایی که با انباشت سرمایه در لیگ انگلیس، این لیگ تبدیل به بهترین لیگ فوتبال جهان شده و باشگاه‌های انگلیسی در رقابت‌های باشگاهی اروپا عملکردی فوق‌العاده دارند، تیم ملی انگلیس با یک فهرست بحث‌برانگیز و پر از ستاره حاضر و ستاره غایب، پا به جام جهانی می‌گذارند تا بالاخره پس از ۶۰ سال، طلسم ستاره دوم شکسته شود؛ این بار با سرمربی‌ای از رقیب دیرینه یعنی آلمان!

نحوه صعود چگونه بود؟

انگلیس توماس توخل در مقدماتی جام جهانی منطقه اروپا عملکردی طوفانی و فوق‌العاده داشت. سه شیرها در گروهی نه‌چندان قدرتمند قرار داشتند اما هشت پیروزی بدون حتی یک گل خورده، قاطعانه‌ترین صعود به جام جهانی در مقدماتی منطقه اروپا را برای انگلیسی‌ها رقم زد تا آنها اولین تیمی باشند که از قاره اروپا صعود خود را به جام جهانی ۲۰۲۶ مسجل می‌کنند. گاهی اوقات مانند پیروزی یک بر صفر مقابل آندورا، کار برای انگلیس سخت می‌شد اما هرچه که مسابقات مقدماتی جلوتر رفت، عملکرد تیم توخل نیز بهبود پیدا کرد و در نهایت پیروزی پنج بر صفر مقابل تیم نسبتاً قدرتمند صربستان، خلاصه عملکرد درخشان انگلیس در مرحله مقدماتی جام جهانی محسوب می‌شد.

دو جنگ جهانی و یک جام جهانی

قبل از هر تورنمنت معتبر و به ویژه در روزهای منتهی به جام جهانی، هیچ چیز در انگلیس مهم‌تر از تیم ملی فوتبال این کشور نیست؛ تیمی که تمام هواداران باشگاه‌های مختلف انگلیسی را برای موفقیت تیم ملی متحد می‌کند. تیمی که تنها در سال ۱۹۶۶ و در روز تصمیم جنجالی توفیق بهراموف کمک‌داور اهل شوروی، توانست آلمان غربی را در ورزشگاه ومبلی از پیش رو بردارد و به قهرمانی جام جهانی برسد. هواداران انگلیس پس از این برد، شعار ما دو جنگ جهانی و یک جام جهانی را بردیم را علیه آلمانی‌ها می‌خواندند اما از آن زمان تاکنون، دستاورد تیم سر الف رمزی تکرار نشده است. انگلیس در جام جهانی ۹۰ به نیمه‌نهایی رسید اما پس از ناکامی بزرگ نسل طلایی در دو جام جهانی ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶، در دوران گرت ساوتگیت موفق‌ترین سرمربی دوران مدرن انگلیس، این تیم بار دیگر در جام جهانی به یک مدعی تبدیل شد. ابتدا صعود به نیمه‌نهایی جام جهانی ۲۰۱۸ و پس از آن، شکست تلخ در مرحله یک چهارم نهایی جام جهانی قبلی مقابل فرانسه با چاشنی پنالتی از دست رفته کاپیتان هری کین. حالا اما انگلیس، برای یک موفقیت بزرگ پا به آمریکا خواهد گذاشت.

مدل بازی انگلیس چگونه خواهد بود؟

توماس توخل بارها تأکید کرده که می‌خواهد تیم ملی انگلیس فوتبالی پویا و فیزیکی، شبیه به ریتم بالای لیگ برتر انگلیس ارائه دهد. در بازی‌های اخیر هم نشانه‌هایی از این رویکرد دیده شده؛ جایی که انگلیس سریع‌تر توپ را پس می‌گیرد و با سرعت بیشتری در زمین حریف گردش می‌دهد. برای توخل، مهم‌ترین نکته طراحی سبکی است که هم در ارائه ساده باشد و هم بازیکنان بتوانند در زمان کوتاه آن را به‌خوبی اجرا کنند. با این حال، چالش اصلی جایی دیگر است؛ پیدا کردن مدلی از بازی که بتواند در شرایط سخت آب‌وهوایی آمریکای شمالی دوام بیاورد. آنتونی بری، دستیار توخل، هم به این موضوع اشاره کرده و از نیاز به یک «مدل بازی مقاوم در برابر گرما» گفته است؛ سبکی که بتواند در گرما و رطوبت بالای تابستان آینده، کارایی خودش را حفظ کند.